

چرا حضرت زهرا (س) این گونه خطبه خواند؟

<?xml encoding="UTF-8?>

1. شرایط مدینه بعد از فوت پیامبر اکرم (ص)



پیامبر اکرم (ص) از دنیا رفت و اولین خلیفه پس از وی با مشورت و صلاح دید اطرافیان تصمیم گرفت فدک، قریه آباد و پر محصول را از حضرت زهرا (ع) بگیرد تا به گفته خودشان آن را در راه تامین مخارج جنگ مصرف کنند. زیرا پیامبر اکرم (ص) تا آخرین لحظه حیات بر اعزام لشکریان به سر حدّات اصرار داشته و علاوه بر آن، گروه هایی از داخل نیز سر به شورش برداشته اند و باید هزینه این لشکریان فراهم شود و فدک، مال چشمگیری برای این اهداف بود.

اما در واقع و در باطن امر، هدف آنان خالی کردن دست حضرت زهرا (ع) و حضرت علی (ع) از مال و اموال دنیایی بود، تا با فقر مالی کاملاً خلع سلاح شوند و هیچ خطری برای حکومت نوپای آنان نداشته باشند.

مردم نیز، از باطن اموری خبرند و آنچه را که در ظاهر می بینند، حکومت نوبنیادی است که با مشکلات بسیاری مواجه است و نیاز به کمک مالی دارد. از طرفی خانواده کوچک حضرت زهرا (ع) و حضرت علی (ع) را خانواده ای زاهد، کم هزینه و پر تلاش می بینند که نیازی به مال دنیا ندارند و کاملاً از آن بیزارند.

حضرت زهرا (ع) در بین توده مردم، از خانواده ای بود که آن خانواده بیشترین فداکاری را در راه اسلام کرده بودند و طبعاً مردم انتظار داشتند که فداکاریهای بیشتری انجام دهند و نه تنها از حکومت نوپای اسلام مالی طلب نکنند بلکه اموال خود را همچون گذشته و حتی بیشتر از آن در اختیار حکومت اسلامی قرار دهند و خلیفه را به جهت حفظ نظام اسلامی از انحطاط و هجوم دولتهای مستکبر به مدینه، یاری دهند. در چنین جوی اگر او بخواهد انحرافات را بیان کند، گوش شنوایی وجود ندارد و سخنان او را بر امور دیگری تلقی می کنند. خصوصاً اگر وسایل تبلیغاتی هم در اختیار طرف مقابل باشد.

در چنین جوی بیان انحرافات خلیفه از مسیر اسلام بسیار سخت است و با شدیدترین وجه پاسخ داده می شود و مردم نه تنها مسیر حکومت و خلافت را منحرف شده تشخیص نمی دهند بلکه مخالفت با خلیفه را انحراف از خط صحیح و ناشی از درک نکردن اوضاع و شرایط جدید و توجه نداشتن به توطئه های روم و ایران و تازه

مسلمانان فرصت طلب و منافقان داخلی، می دانند.

به همین جهت حضرت زهرا(ع) که می خواهد جوشکنی کند اول از همه باید مقام علمی، ادراکی، عقل و درایت و تسلط کامل بر خویش را بر همگان ثابت کند و شرایط موجود و شرایط گذشته را با عقل و درایت برای مردم بیان کند تا به نا آگاهی از شرایط متهم نشود. توحید و نبوت و... را توضیح دهد و هدف را بیان کند، تا دنیا خواه معرفی نشود و در ضمن این امور، انحرافات خلیفه را مطرح کند و بر انحرافی بودن آنها اصرار ورزد، تا مردم متوجه انحراف بشوند. لذا کیفیت به مسجد رفتنش به گونه ای خاص بود. طرز لباس پوشیدن، طرز ورود، گریه و نحوه خطبه خواندنش، همه و همه به گونه ای خاص بود، تا بتواند با يك خطبه به هدف والایی که در نظر داشت برسد. اگر چه در آن زمان به تمام اهداف خود، نایل نشد ولی به مرور زمان حقانیت حضرت زهرا(ع) و انحرافات آنان روشن شد.

2. چگونگی راه رفتن حضرت زهرا(س)

او چنان با ابهت راه می رفت که گفته اند: "ما تخرم مشیتها مشیة رسول الله" راه رفتن او از راه رفتن رسول خدا هیچ کم نداشت". گویی پیامبر اکرم(ص) است که چنان باوقار، بدون اضطراب، با اطمینان و آرام، گام بر می دارد. وقتی بر ابوبکر وارد شد که او در جمع مهاجران و انصار و سایر مسلمانان قرار گرفته بود.

حضرت زهرا(ع) به صورت فردی وارد نشد تا حکایت از عاطفی بودن و احساساتی بودن حرکت وی کند بلکه " فی حفتها و نساء قومها". در میان جماعتی از یاران و اعوان و خویشان خود وارد مسجد شد، و با لباسی بلند حرکت میکرد، بطوریکه لباس تا روی پایش را می گرفت.

این گونه راه رفتن بیشتر برای این بود که نشان دهد حرکتش و ورودش به مسجد ناشی از احساسات و هیجان و عواطف فقدان پدر نیست بلکه حرکتی است از روی شعور و آگاهی بر اساس تصمیم قبلی و برای بیان هدفی بسیار مهم.

طبعاً مردم داغدار و عزادار، وقتی حضرت زهرا(ع) و گروه زنان را دیدند که به مسجد می آیند، برای آنان مکانی اختصاص دادند و پرده ای کشیدند تا آنان نیز به نوبه خود برای پیامبر(ص) عزاداری کنند: "فضربت بینها و بینهم ریطة بیضاء" پرده ای سفید برای آنان زده شد. ولی در ذهن مسلمانان پرسشی ایجاد شد که این چه وقت آمدن حضرت زهرا(ع) به مسجد است؟ آیا مصیبت فوت پدر او را به مسجد کشانیده است؟ آیا خاطره و سخنی را از پدرش به یاد آورده است؟ چرا آرام و بی سر و صدا و حتی بدون گریه، بلکه همراه با آرامش کامل و وقار وارد مسجد شد؟ چرا چنین باوقار همانند پدر بزرگوارش گام بر میداشت؟

3. گریه و سکوت حضرت زهرا(ع)

پس از زدن پرده و نشستن، حضرت زهرا(ع) يك مرتبه سکوت را شکست و ناله ای جانسوز سر داد که يك مرتبه همه مسجد به گریه افتادند: "انت انة اجهش لها القوم بالبكاء"

مجلس منقلب شد. همه گریه سر دادند. سپس مهلت داد تا همه‌ها تمام شد و سپس شروع به خطبه کرد. "ثم امهلت طويلا حتى سكنوا من فورتهم ثم قالت"

نکته مهم این است که بدانیم چرا حضرت در هنگام آمدن به مسجد گریه نکرد؟ چرا هنگام زدن پرده آرام بود؟ و چرا پس از آن ناله سوزناک، ناگهان آرام شد؟ در حالی که مهاجران و انصار هنوز گریه می کردند .

روشن است که طبیعت زنان رقیق تر است و طبعاً باید او بیش از دیگران به گریه ادامه می داد.

اما، چرا يك مرتبه گریه را تمام کرد و زمان زیادی منتظر ماند تا دیگران نیز سکوت کنند و از گریه دست بردارند؟ این کارها برای چه بود؟

به نظر می رسد که حضرت می خواست با همین راه رفتن ، گریه و سکوت به موقع، تسلط خویش را بر احساسات و عواطف خود نشان دهد ، به گونه ای که در جای دیگر فرموده است:

" صبت على الدهر مصائب لو صبت على الايام صرن لياليا"

4. فلسفه انتخاب کلماتی خاص و حماسی در ابتدای خطبه اش

آنگاه شروع به خطبه می کند اما خطبه ای که با ناله و اشک همراه نیست، خطبه ای که با لرزش صدا و اضطراب همراه نیست، بلکه کوبنده و محکم است. آهنگ کلمات به کار گرفته شده برای حالات حماسی قرار داده شده است. زیرا معمولاً وقتی کسی بخواهد همراه با سوز و گداز خطبه بخواند کلماتی را انتخاب می کند که به حروف قابل مد مانند "ین" و "اون" ختم شود نظیر "الحمد لله رب العالمین ، باری الخلاق اجمعین. مالک يوم الدين، مبیر الظالمین" تا اگر صدایش گرفت و گریه گلایش را فشرده، با کشیدن حروف مد آن ضعف را جبران کند.

ولی زهرای مرضیه(ع) کلمات دیگری را انتخاب کرد که کوچکترین لرزش، اضطراب و تغییر حالت کاملاً در آن کلمات رخ می نمود. ایشان با صدای رسا گفتند:

" الحمد لله على ما ا لهم، و له الشكر على ما انعم، و الثناء بما قدم، من عموم نعمة ابتداها، و سبوغ آلاء اسداها، و تمام ممن اولاهها، جم عن الاحصاء عددها و نای عن الجزاء امدها و تفاوت عن الادراك ابدها، و ندبهم لاستزادتها بالشكر لإتصالها و استحمد الى الخلاق باجزالها و ثنى بالندب الى امثالها..."

برای درك عمق این کلمات و معانی جملات ، می توان به شرحهای خطبه آن حضرت مراجعه کرد . فعلاً هدف، بیان آهنگ کلمات، چینش آنها و حروفی است که کلمات به آنها ختم می شود.

مسلماً حضرت زهرا(ع) در آن حال که خطبه می خوانده گریه نمی کرده، بلکه خطیبی قوی، حماسی و فصیح بوده که کلمات و فرازاها را یکی پس از دیگری با آهنگی رسا، بیان می کرده است.

5. اثر پذیری بزرگان اهل ادب از مقدمه خطبه حضرت زهرا(ع)

به زودی سران قوم و اهل علم و فرزندگان و کسانی که در امور اجتماعی و روحی دستی داشتند، فهمیدند که او يك شخص معمولی نیست. او بانویی داغدار و مصیبت زده نیست که مصیبت فقدان پدر، او را آشفته کرده باشد و نتواند بر خود مسلط باشد و جلوی گریه خود را بگیرد، بلکه آگاهانه کلماتی را انتخاب می کند که با حالت حرارت و فوران، از وجود متعالی او، نشأت می گیرد .

حضرت زهرا(ع) با این حرکات و سکنت و پیمودن این فراز و نشیبها، در همین مراحل آغازین، ثابت کرد که احساسات و عواطف خانوادگی نیست که او را به مسجد کشانیده و او را به خطبه خوانی وادار کرده باشد، بلکه مطالب مهم دیگری در میان است که باید آنها را بیان کند. نحوه ورود به مسجد و شروع خطبه و کلمات ابتدایی ایشان، آنچنان همگان را مجذوب خود ساخت که ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه اش در توضیح نامه 45 حضرت علی(ع) به عثمان بن حنیف، به نقل قسمتهایی از خطبه حضرت زهرا(ع) می پردازد و قبل از آن، حالت ورود و هیات وارد شدن حضرت زهرا و گریه و سکوت او و اولین کلماتی که حضرت زهرا(ع) خطبه را با آنها شروع کرد، ذکر می کند و سپس به خطبه حضرت، پیرامون مساله فداك می پردازد .

از اینکه ابن ابی الحدید به بیان حالت ورود حضرت زهرا(ع) سکوت و گریه او و جملات اول خطبه آن حضرت می پردازد، معلوم می شود که این امور در نظر او نیز بسیار مهم بوده است والا همه این مقدمات را رها می کرد و همان قسمت مربوط به فداك را نقل می کرد.

از اینجا معلوم می شود که قصد حضرت زهرا(ع) از سکنت و حرکاتش بر بزرگان اهل ادب و فضل مخفی نمانده است، اگر چه توده مردم ممکن است در آن لحظات متوجه مقصود آن حضرت نشده باشند. بنابراین حضرت زهرا(ع) با گذشت زمان به این هدف که معرفی جنبه های مختلف شخصیت خود و بیان انحراف خلافت بوده است، فائق آمده.

6. درصد فرازهای مختلف در خطبه حضرت زهرا(ع)

فعلاً در صدد شرح خطبه حضرت زهرا (ع) نیستیم و بیشتر به چرایی و چگونگی انشاء خطبه، می پردازیم و در صدد بیان این نکته ایم که حضرت با این خطبه، خود را معرفی کرد و علم و درایت و کاردانی خود را به اثبات رسانید و روشن کرد که سخن پیامبر (ص) "فاطمة بضعة منی" یا "فداها ابوها" به خاطر خویشاوندی نسبی نبوده، بلکه او گوهری ناشناخته بوده است که در این خطبه تنها رُخی عیان نموده و این سخنان نمونه و آینه ای است برای نمایش پرتویی از انوار وجود او.

لذا بیشتر به مسایل جنبی خطبه می پردازیم و از جمله اینکه این خطبه حدود 120 سطر است که 10 درصد آن در حمد خدا و 10 درصد در توصیف پیامبر(ص) می باشد و 5 درصد آن در توصیف قرآن و حدود 10 درصد در بیان فلسفه احکام است. در این 10 درصد که به حکمت و فلسفه، 20 رکن و موضوع اساسی از موضوعات دین اشاره می کند، 10 درصد آن را به کارهای پیامبر اکرم (ص) پرداخته است، تا بیان کند مردم را از کجا به کجا کشانید و در

5 درصد دیگر، فداکاریهای حضرت علی(ع) در عین رفاه طلبی دیگران را گوشزد می کند که تا اینجا دقیقاً خطبه نصف می شود.

از اینجا حضرت، به بیان انحرافات جامعه و توطئه های شیطان و سپس به ثمرات تلخ انحرافات که به زودی گریبان گیر مردم می شود، می پردازد که باز حدود 10 درصد را به خود اختصاص می دهد. سپس به موضوع فدک می پردازد که با استدلالها و پنج آیه قرآن که حضرت به آنها تمسک می کند، جمعاً 10 درصد می شود.

و به عبارت دیگر، مقدار دفاع از حق خویش در ارتباط با فدک به اندازه نصف خطبه او در ثنای خدا و توصیف پیامبر اکرم(ص) بوده است.

شاید حضرت در این انتظار بحق بود که با این مقدار از خطبه، خلیفه به اشتباه خویش پی ببرد و خود را از خلافتی که اولین گامهایش بر خطا نهاده شده بود، خلع کند و یا مسلمانان به فکر خلع کردن او بیفتند ولی وقتی چنین نشد، با ایراد سخنانی خطاب به انصار در حدود سی سطر، گذشته آنان، فداکاری هایشان و سابقه ایشان در اسلام را بیان کرد و از آنان خواست که بر پا خیزند و از او در برابر ظلمی که بر وی شده است دفاع کنند، اما چنین نشد و آنان حاضر نشدند در دفاع از حضرت زهرا(ع) حتی سکوت خود را بشکنند و بدین گونه نیمه دوم خطبه نیز به پایان رسید.

شاید و بلکه حتماً بسیاری از مردم آن زمان، به دقت حضرت زهرا(ع) در مقدار کلمات توجهی نداشتند و این امور را اتفاقی می دانستند ولی اکنون که نوشته های آن سخنان را در جلوی روی خود نگاه می کنیم به مدیریتی دقیق پی می بریم که يك چهارم سخنانی خود را برای دفاع از حق خویش و به استیضاح کشاندن وضع موجود کافی می دانسته است. ولی وقتی خبری نشد بار دیگر، همگان و خصوصاً انصار را مورد عتاب قرار می دهد و تازیانه های کلام را بر گرده فکر و اندیشه آنان فرود می آورد و بیان می کند که: فکر دفاع از حکومت نوپای اسلام با ظلم بر يك فرد در آن اجتماع ناسازگار است و نمی توان به حکومت اسلامی دلخوش کرد که در آن به يك نفر، ظلم شده است و سکوت آنان نه برای مصلحت و رضای خدا، بلکه ناشی از راحت طلبی، فرصت طلبی و طبق تشبیه خود وی، کره و روغن گیری از شیر است.

اگر در جامعه به شخصیت معروفی چون حضرت زهرا(ع) و حضرت علی(ع) که مظهر فداکاری، قیام، استقامت و... هستند ظلم شود، مسلم است که به دیگران نیز ستم می شود و چنین جامعه ای را نمی توان جامعه ای خدایسند و مورد قبول رسول اکرم(ص) دانست.

7. هدف اصلی در کلام حضرت زهرا(ع)

هر چند کسی به یاری حضرت زهرا(ع) برنخاست و خلیفه اول با تسلیم ظاهری، گناه را به گردن مسلمانان انداخت و آنان را در کار خود شریک ساخت و با تحلیل و تکریم حضرت زهرا(ع) در صدد سامان دادن اوضاع بود، ولی آنچه را که باید معلوم می شد، عیان گردید و آنچه از سخنانی حضرت زهرا(ع) به خوبی روشن می شد، بدین گونه بود که، گرفتن فدک از حضرت زهرا(ع) با پنج آیه قرآن مخالفت صریح دارد. اگر خلیفه ای در چند روز اول حکومت که روزهای طلایی است و تازه پیامبر(ص) از دنیا رفته و همگان فهمیده اند که مرگ برای همه واقع

شدنی است چنین مخالفتی با قرآن بکند و وقتی اولین مظلوم، شخصی سرشناس، فداکار و فرزند تنی و واقعی رسول الله (ص) باشد، چنین حکومتی پس از استقرار و پس از فروافتادن از مقام، نسبت به مردم عادی و مجهول الهویه چه رفتاری خواهد داشت، وقتی آیات محکم و روشن خدا که امهات کتابند اشتباهاً یا عمداً مورد مخالفت واقع شود، دیگر از کتاب خدا چیزی باقی نمی ماند.

اگر او عمق کلام حضرت زهرا(ع) را درک می کرد، فوراً از مقام خلافت کناره می گرفت و افسار خلافت را بر روی خودش می انداخت. اگر مردم، عمق کلام حضرت را درک کرده بودند، فوراً او را از خلافت عزل کرده و حضرت زهرا(ع) نیز همین انتظار را داشت. به همین جهت وقتی به منزل برگشت به حضرت علی (ع) گفت: "خرجت کاظمة وعدت راغمة" درحالیکه بغض گلویم را گرفته بود به مسجد رفتم و در حالیکه خفیف و خوار شدم به منزل برگشتم. "و درباره برخورد ابوبکر گفت: "لقد اجهد فی خصامی" او در دشمنی و خصومت با من تمام جهد خود را به کار برد. "و الفیته الد فیکلامی" او را در مکالمه ای که با وی داشتم لجبازترین دشمنها یافتم."

بنابراین نباید سخنان خلیفه و تعریفهای او از حضرت زهرا(ع) را جدی گرفت.

8. سخنان خلیفه در پاسخ به سخنان حضرت زهرا(ع)

"یا بنت رسول الله (ص) لقد کان ابوک بالمومنین عطوفاً کریمًا، رؤوفاً رحیمًا، و علی الکافرین عذاباً الیمًا و عقاباً عظیماً، ان عزوانه وجدناه اباک دون النساء، و اخا الفک دون الاخلاء، اثره علی کل حمیم و ساعده فی کل امر جسیم، لا یحبکم الا سعید و لا یبغضکم الا شقی بعید، فانتم عتره رسول الله الطیبون، و الخیرة المنتجبون، علی الخیر ادلتنا، و الی الجنة مسالکنا، و انت یا خیرة النساء و ابنة خیر الانبیاء، صادقة فی قولک، سابقة فی وفور عقلک، غیر مردودة عن حقک و لا مصدودة عن صدقک."

ابوبکر در جمله اول تلویحاً به حضرت زهرا(ع) گوشزد می کند که پدرت بر کافران سختگیر بود و بر مومنان رحیم، بنابراین تونیز باید به ما رحمت داشته باشی و شمشیر زبانت را علیه کفار به کاربری و با این کلام در صدد بیان دوگانگی، بین سیاست دختر پیامبر (ص) و خود پیامبر اکرم (ص) است. ولی سایر کلماتش همه تعریف و تمجید از حضرت زهرا(ع) است. مثلاً شما راستگوید، شما راهنمای ما به سوی حق و به سوی بهشتید، وفور عقل شما بر ما پوشیده نیست و...

در مقابل این سوال که: اگر چنین است چرا حق مرا غصب کرده اید؟ سخنم پیرامون فدک را به هیچ انگاشته اید؟ و چرا با فرمانهای خدا و رسولش که راهنمای ما به سوی بهشت است مخالفت کرده اید؟ جواب می دهد که :

"والله ما عدوت رای رسول الله و لا عمدت لا باذنه و ان الرائد لا یکذب اهله و انی اشهد الله و کفی به شهیدا انی سمعت رسول الله (ص) یقول نحن معاشر الانبیاء لا نورث ذهبا و لا فضة و لا دارا و لا عقارا و انما نورث الکتاب والحکمة و العلم و النبوة و ما کان لنا من طعمة فلولی الامر بعدنا ان یحکم فیه بحکمه؛

به خدا سوگند من از رای و نظر پیامبر (ص) تجاوز نکردم و آنچه عمل کردم به اذن او بود، و پیش قراول و جلودار قافله، به اهلش دروغ نمی گوید و من از رسول خدا شنیدم که فرمود: "ما طایفه انبیاء" طلا، نقره، خانه و زمین به

ارث نمی گذاریم بلکه تنها کتاب، حکمت، علم و نبوت را به ارث می گذاریم هر آنچه از ما به جای ماند از آن ولی امر بعد از ماست او به هر شکل که صلاح دید عمل می کند."

او با این حدیث که حضرت زهرا(ع) خود نادرست بودن آن را با استفاده از آیات قرآن ثابت کرد، در صدد بیان حجتی بر اینکه فدك ملك زهرا نیست برآمد و به قسم و سوگند و شهادت الهی متوسل شد تا جمعیت حاضر در مسجد که حتماً تحت تاثیر سخنان حضرت زهرا(ع) قرار گرفته بودند، دلشان بر راه و مسیر خلیفه گرم شود و بدانند که هیچ امر خلاف دینی اتفاق نیفتاده است و گرفتن فدك به امر رسول اکرم(ص) و طبق حدیث او و خواست او صورت پذیرفته است.

سپس به بیان مصرف فدك می پردازد و آن را نیز ناشی از اجماع مسلمانان و توافق آراء آنان میدانند و اظهار میدارد که آنرا در راه باطلی به مصرف نرسانده ایم، بلکه در راه جنگ با کفار و مرتدان به کار گرفته ایم.

اینجاست که حضرت زهرا (س) با يك " سبحان الله " گفتن تمامی بافته های خلیفه را نقش بر آب می کند و می فرماید: سبحان الله! ما كان ابی رسول الله(ص) عن كتاب الله صادقاً و لا لأحكامه مخالفاً، منزه است خدا! پدرم رسول خدا(ص)، از کتاب خدا روی گردان نبود و با احکام آن مخالف نبود."

لازم به ذکر است که کلمه " سبحان الله " را در سخن وقتی به کار می برند که کسی تهمت بسیار ناروایی بزند که همگان بر دروغ بودن آن واقفند و مثل این است که در چنین اتهامی پای خدا را نیز در میان می کشد و او را با خلق کردن چنین موجودی که این گونه کار قبیح و فاسدی انجام داده است، مورد عیب جویی قرار می دهد.

به هر حال حضرت زهرا(ع) با این سبحان الله به همگان نشان می دهد که کلام ابی بکر خالی از حقیقت است و سپس کلام خود را توضیح می دهد که آیا رسول خدا(ص) بر خلاف احکام قرآن نظری می دهد؟! آیا او از احکام کتاب الهی روی گردان بوده است؟!

خلیفه این بار پس از گفتن " صدق الله و صدق رسوله و صدقت ابنته " یعنی خدا، رسول خدا و دختر رسول الله (ص) راست گفته اند، به تمجید از حضرت زهرا(ع) می پردازد ولی تمامی گناه اعمال خود را به دوش مسلمانان می اندازد:

" هؤلاء المسلمون ببني و بينك، قلدوني ما قلدت و باتفاق منهم اخذت ما اخذت " این مسلمانان بین من و تو قضاوت کنند، اینان حکومت را بر دوش من انداخته اند و با اتفاق و اجماع آنان فدك را گرفته ام."

در این هنگام حضرت برای آخرین اتمام حجت، مردم را مورد خطاب قرار داد و آنان را به خاطر قبول کردن سخنان باطل و چشم پوشی از حق و تدبر نکردن در قرآن سرزنش کرد و وقتی دید که اینان از مسیر خود دست برنمی دارند، و به هر دلیل حاضر به دفاع از حق او نیستند روی را به طرف قبر پدر بزرگوارش کرد و با خواندن اشعاری يك بار دیگر مقام اهل بیت و بدعتهای مخالفان را گوشزد کرد و از مسجد خارج شد.

پی نوشت:

1- خطبه حضرت زهرا(ع)، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 16، ص 211، 20 جلی، دارالکتب العلمیة.